

اخبار حوادث

در شرق تهران رخ داد مرگ دردناک دختر ۹ ساله به سبک فیلم های هندی

دختری ۹ ساله تهرانی پس از تماشای صحنه حلق آویز شدن قهرمان یک فیلم هندی دست به اقدام مرگباری زد.

این دختر پخته به تقلید از شخصیت فیلم سینمایی خودش را حلق آویز کرده تا شاید همانند قهرمان فیلم پس از دقایقی زنده شده و اینبار زندگی ابدی پیدا کند.

ساعت ۷ غروب چهارشنبه سی ام آبان ماه سال جاری از مرکز درمانی ای واقع در شهرک رضویه ماجرای مرگ مشکوک دختر ۹ ساله ای به نام سستاره، به ماموران کلانتری ۱۶۹ مشیره به مخبره شد.

دقایقی بعد تیمی از تجسس کلانتری به همراه کارشناس پزشکی قانونی در بیمارستان حضور یافتند و با توجه به نظریه تیم پزشکی مبنی بر وجود آثار خنگی روی گردن ستاره ماجرأ به اداره ۱۰ ویژه قتل پلیس آگاهی تهران اطلاع داده شد.

کارآگاهان در نخستین اقدام به بازجویی از مادر ستاره پرداختند و که بعد از حادثه با کمک صاحب سوپرمارکت محله شان و در غیبت پدر ستاره که سرکار بود دخترش را به مرکز درمانی رسانده بود با صدای گرفته ای به کارآگاهان گفت: «به همراه ستاره و پسر کم کوچکتر از ستاره است، یک فیلم سینمایی هندی گذاشته و آن را تماشا کردیم داستان فیلم به گونه ای بود که در یک قسمت از فیلم، قهرمان داستان حلق آویز شده و در ادامه فیلم مجدداً زنده می شد.

وی افزود: با پایان فیلم، برای آماده کردن شام به داخل آشپزخانه رفتم و بچه هانیز در حال بازی بودند؛ متوجه نشدم که ستاره چه زمانی به داخل اتاق خوابش رفت. پس از دقایقی سستاره را صدا زدم اما جواب مرا نداد؛ مجدداً ستاره را صدا زدم اما باز جوابی نیامد؛ به دنبال ستاره از آشپزخانه بیرون آمدم و به سمت اتاق خواب بچه ها رفتم. ناگهان سستاره را دیدم؛ رشته ای پلاستیکی که از درکمد دیواری آویزان شده بود، دور گردن دخترم قرار داشت؛ سستاره حرکت نمی کرد

ترسیدم و با صدای بلند او را صدا زدم اما صدایی از ستاره نیامد؛ به سرعت به داخل کوچه آمدم و از اهالی محل کمک خواستم؛ صاحب سوپرمارکت محل با شنیدن فریاد، التماس و خواهش هایم برای کمک کردن به دخترم به داخل خانه آمد گردن ستاره را از داخل رشته پلاستیکی در آورد چندین بار به او تنفس مصنوعی داد اما سستاره نفس نمی کشید؛ به سرعت ستاره را سوار ماشین کرده و به مرکز درمانی رساندیم؛ تیم پزشکی تلاش زیادی کرد اما ستاره دیگر نفس نکشید.

در ادامه، کارآگاهان جانبی تهران با مراجعه به محل زندگی ستاره به بررسی اظهارات مادر ستاره پرداختند؛ جسد ستاره نیز به پزشکی قانونی منتقل شد و برابر نظریه تیم پزشکی اعلام شد که هیچگونه آثار ضرب و شتم روی جسد وجود نداشته است.

■ ■ ■

قتل خونین به خاطر جای پارک در فلاح تهران

درگیری پسر جوان با مرد همسایه به خاطر جای پارک سناریوی مرگباری را رقم زد.

سرگرد رضا کریمی سرپرست کلانتری ۱۶۱ ابوذر گفت: ساعت ۱۶ روز جمعه ۲۲ آذر ماه سال جاری ماموران کلانتری در جریان فوت مشکوک مرد ۵۰ ساله ای در بیمارستان ضیائیان قرار گرفتند که برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند.

در تحقیقات متوجه شدند مقتول ساعتی قبل در جلوی در خانه شان با مرد جوانی که همسایه اش بوده درگیر شده و دقایقی پس از پایان درگیری و ترک محل، را ناحیه قلب و سراطهار درد و ناراحتی می کند که توسط خانواده اش به بیمارستان منتقل می شود ولی فوت کرد.

ماموران با حضور در محل درگیری که کوچه ای در خیابان زمزم بود موفق به شناسایی طرف درگیری شدند که با هماهنگی باز پرس کشیک قتل دستگیر شد.

متهم ۲۱ ساله پس از انتقال به کلانتری ادعا کرد که ساعت ۱۴ با خودروی پژو خود از خانه در حال خارج شدن بود که مرد همسایه با خودروی وانت پیکان در جلوی خانه پارک کرده بود که در زمان خارج شدن به صورت جزئی با آن تصادف کردم که صاحب خودرو با اطلاع از تصادف با خودرویش با من درگیر شد که خیلی زود این درگیری لفظی پایان گرفت.

پسر جوان گفت: پس از پایان درگیری از محل دور شدم که بعد متوجه شدم مرد همسایه حالش بد شده و او را به بیمارستان منتقل کرده اند.

■ **شروع بودی؟**
نه، خود زنی کردم.

■ **چرا؟**
بیماری اعصاب و روان دارم و وقتی عصبانی می شدم خود زنی می کردم.

■ **اگر از همسر خودت سرقت می کردند چه حسی داشتی؟**

زنم باردار بود که کیفش را سرقت کردند که خوشبختانه همسرم و فرزندم سلامت هستند و اتفاقی برایشان نیفتاد ولی باور کنید من شکایت نکردم.

■ **چرا؟**
چون گشتم حتما به پول نیاز داشته که دزدی کرده است.

■ **یعنی هر کسی پول نیاز داشت دزدی کند؟**

نه، گدایی کنی بهتر از این است که جلوی خانواده ات آبرویت برود.

■ **فکر می کردی دستگیر شوی؟**
بله.

■ **پس چرا دزدی کردی؟**
پول پوشاک بچه ام را نداشتم و مجبور بودم دزدی کنم.

■ **همسرت اطلاع داشت که دزدی می کنی؟**

نه، حتی وقتی دستگیر شدم ماموران نگفتند که من دزدی کردم و فکر نکنم فهمیده باشد.

■ **همسرت بفهمد چه اتفاقی می افتد؟**
شاید از من طلاق بگیرد.

■ **حرف آخر؟**
از همسرم می خواهم که به من فرصت دهد تا جبران کنم. اگر جایی بود که با حقوق یک میلیون و پانصد کار می کردم الان اینجا نبودم و کنار خانواده ام بودم. پشیمانم و شرمند می خواهم که کمک کند. بنا به این گزارش، اصغر برای تحقیقات بیشتر به دستور باز پرس پرونده در اختیار ماموران پایگاه ۳ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

مرا دوست داشت دیگر به این چیزا فکر نکردم.

■ **چرا دزدی کردی؟**
به خاطر گرانی، بدبختی و بی پولی.

■ **به نظرت دزدی کار درستی است؟**
نه، دزدی کار خوبی نیست و اشتباه بزرگی است و تا حالا این کار را نکردم.

■ **آزاد شوی دوباره دزدی می کنی؟**
نه، مثل همه مردم زندگی می کنم و دیگر دزدی نمی کنم.

■ **چرا آزاد نشوی؟**
نمی دانم، آبروی خانواده و همسرم رفت و شرمندشان هستم.

■ **وضعیت مالی خانواده ات خوب است؟**
دستشون به دهنشون می رسه و مشکلی در زندگی ندارند.

■ **چرا در مورد خانواده ات حرف می زنی اشک می ریزی؟**

شرمندشون هستم. همسرم تحصیل کرده بود و سرکار می رفت من بخاطر ذهنیت بدی که داشتم مانع رفتن به سرکارش شدم و همین باعث شد تا مشکلات زندگی ام بیشتر شود.

■ **خودت بچه داری چرا از زن جوان و فرزندش دزدی کردی؟**

باور کنید بچه را در آغوش مادرش ندیدم و گرنه دزدی نمی کردم، من خودم بچه دارم و می فهمم.

■ **حرفی داری به زن جوان و مادرش بزنی؟**

قسم می خورم که من بچه اش را ندیدم و گرنه من هم انسان هستم.

■ **چرا اصرار داری به زن جوان و مادرش بزنی؟**

قسم می خورم که من بچه اش را ندیدم و گرنه من هم انسان هستم.

■ **یعنی کار نیست؟**
به من کار نمی داند، می گفتند چون خالکوبی داری و روی صورت جای چاقواست کاری برای تو نیست.

دزدی کار او نبوده و به خاطر خرید پوشاک بچه اش دست به دزدی زده است.

■ **سابقه داری؟**
نه، اولین بار است که دستگیر شدم.

■ **به چه جرمی دستگیر شدی؟**
کیف قاچی.

■ **چرا دزدی کردی؟**
با موتور مسافر کشی می کردم که پس از آن یک زن را دیدم و تصمیم به کیف قاچی گرفتم.

■ **از چند نفر دزدی کردی؟**
از یک دختر در نزدیکی میدان فردوسی و یک مادر و بچه که نمی دانم کدام خیابان بود دزدی کردم.

■ **از زن جوان کس به کما فرستادی خبر داری؟**

من فقط از همان دو نفری که گفتم سرقت کردم و دزدی از زن جوان که به کما رفته کار من نیست.

■ **اعتیاد داری؟**
نه، یعنی قبلاً مواد مصرف می کردم.

■ **اعتیاد به چه مواد داشتی؟**
۷ سال قبل شیشه و کراک می کشیدم.

■ **از دواچ کردی؟**
بله، بعد از اینکه مواد را ترک کردم از دواچ کردم و

■ **تحصیلات؟**
سوم ابتدایی.

■ **چرا ادامه تحصیل ندادی؟**
درس خواندن را دوست نداشتم.

■ **چرا این قدر پریشانی؟**
حالم خوب نیست، قرص هایم را نخوردم.

■ **چه قرصی؟**
قرص اعصاب و روان می خورم و تحت نظر پزشک هستم، حتی کارت معافیت اعصاب و روان دارم.

■ **همسرت می دانست بیماری اعصاب و روان داری؟**
نه، دوستش داشتم و همسرم نیز

زن جوان پس از سرقت به کمک اهالی محل به بیمارستان منتقل شد و با توجه به شوک و ضربه ای که در زمان زمین خوردن به او وارد شده به کما رفته است.

■ **سرقت از مادر و بچه**
در حالی که ردیابی های پلیسی برای دستگیری این سارق جوان ادامه داشت ماموران در برابر پرونده دیگری قرار گرفتند که سارق خشن دست به سرقت هولناک دیگری زده بود. در این صحنه سارق تکرو بدون توجه به اینکه زن جوان کودک سه ساله ای را در آغوش گرفته به سرعت به سمت وی رفته و از پشت اقدام به قاپیدن کیف زن جوان می کند که در این صحنه زن جوان مانع افتادن فرزندش روی زمین می شود و گریه های کودک سه ساله و جیغ زن جوان اهالی محل را به کمک وی می کشاند.

■ **شناسایی سارق خشن**
ردیابی های پلیسی ادامه داشت و ماموران با توجه به در دست داشتن تصویر دزد تکرو اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی سارق جوان شدند. بدین ترتیب ماموران خانه اصغر را به صورت نامحسوس تحت نظر قرار دادند تا اینکه ساعت ۴ سحرگاه ۲۰ آبان ماه کارآگاهان پایگاه ۳ پلیس آگاهی تهران با دستور قضایی وارد خانه این سارق خشن شدند و وی را در حالیکه خواب بود دستگیر کردند.

■ **کمای زن جوان**
در این صحنه زن جوان که غافلگیر شده بود با توجه به شدت کشیده شدن کیف دستی اش از سوی سارق قوی هیکل به شدت روی زمین می افتد و از هوش می رود. در ادامه سارق خشن که موفق به قاپیدن کیف

طعمه اش نشده بود با توجه به بیهوش شدن زن جوان بار دیگر به بالای سر زن جوان می رود و کیف وی را بر داشته و به سرعت از محل دور می شود. در ادامه تحقیقات ماموران پی بردند که

■ **گفت و گو با سارق خشن**
اصغر ۲۸ ساله که بیماری اعصاب و روان دارد در حالیکه دوربین های مدار بسته صحنه سرقت خشن از زن جوان را که باعث به کما رفتنش شده ثبت کرده اصرار دارد که این



■ **گروه حوادث: کیف قاپ خشن**
در سناریوی سرقت از زن جوان باعث شد تا طعمه اش به کما برود.

این دزد خشن در شروع اقدامات تبه کارانه اش به سرقت های خشن و هولناک از زنان تهرانی دست می زد.

■ **سرقت خشن**
اوایل مهر ماه سال جاری ماموران پلیس تهران در جریان کیف قاچی خشن دزد موتور سواری قرار گرفت

و با توجه به حساس بودن این پرونده تیمی از ماموران پایگاه ۳ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عامل این سرقت خشن وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست تحقیقات پای در صحنه سرقت گذاشتند و خیلی زود دوربین مدار بسته ای را به دست آوردند که صحنه سرقت خشن در آن ثبت شده بود.

■ **فیلم صحنه سرقت**
تیم پلیسی در بررسی فیلم

خبر

دو مرد مسلح در سایت دیوار کمین می کردند

پشت پرده گردش شمال دزدان مخوف پایتخت

و هیچ اطلاعاتی از موضوع استفاده از خودرو شخصی اش در سرقت مسلحانه ندارد.

■ **سرقتی مشابه**
همزمان با شناسایی نمایشگاه خودرو در شهرستان بهارستان، پرونده مشابه دیگری پیش روی ماموران اداره یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت که در آن دزدان مسلح به همین شیوه و شگرد در تماس با صاحب یک گوشی تلفن همراه و اربابزیر پیش پرداخت به حساب صاحب گوشی با یک پژو ۴۰۵ تفره ای رنگ سر قرار فروش رفته و اقدام به سرقت مسلحانه گوشی تلفن همراه به ارزش ۱۵ میلیون تومان کرده اند که با شناسایی مالک خودرو پژو ۴۰۵، مجدداً همان نمایشگاه اتومبیل در شهرستان بهارستان مورد شناسایی قرار گرفت.

■ **دستگیری دزدان مسلح**
کارآگاهان تهرانی که در دو پرونده مشابه به یک نمایشگاه خودرو رسیده بودند در ادامه تحقیقات پلیسی اطلاع پیدا کردند که پسر مرد نمایشگاه دار به نام «مراد» ۳۴ ساله از مجرمان سابقه دار در زمینه سرقت و بزه سرقت خودرو است که آخرین بار به اتهام سرقت خودرو دستگیر و روانه ی زندان شده و اواخر سال گذشته با پایان دوران محکومیتش از زندان آزاد شده است.

■ **عکس «مراد» از سیستم جامع پلیس آگاهی استخراج و به ۲ مالباخته نمایش داده شد که هر دوی آنها «مراد» را به عنوان دزد مسلح و شخصی که در زمان سرقت آنها را با کلت کمری تهدید**

به حسام واریز کرد.

وی افزود: این مرد برای انجام معامله و تحویل گرفتن گوشی تلفن همراه با من قرار ملاقات گذاشت قرار این شد ساعت ۷ غروب ششم آبان ماه در محدوده میدان دهکده المپیک همدیگر را ببینیم.

او ادامه داد: سر ساعت در آنجا حضور یافتم، دو جوان ۳۵ ساله با یک خودروی تیبای سفید رنگ در محل قرار حاضر شدند آنها با معرفی خود به عنوان خریدار گوشی، ابتدا درخواست رؤیت گوشی را کردند که به محض نشان دادن گوشی تلفن همراه ناگهان یکی از آنها تپانچه ای را از زیر لباسش خارج کرد و با تهدید به شلیک اقدام به سرقت گوشی تلفن همراهم کرد و بلافاصله با خودروی تیبای محل متواری شدند.»

■ **ردیابی از دزدان مسلح**
کارآگاهان که در بازجویی از پسر جوان به ردیابی از دزدان مسلح دست یافته بودند با انجام تحقیقات ویژه موفق به شناسایی خودروی آنها شدند و با همین سرنخ ابتدا صاحب خودرو را ردیابی کردند و وقتی عکس او را به مالباخته نشان دادند مشخص شد که او نقشی در سرقت مسلحانه نداشته و دزدان با استفاده از ماشین شخص دیگری به اجرای توطئه سرقت دست زده اند.

صاحب خودروی تیبای بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت وی که شوکه شده بود به کارآگاهان گفت که خودروی شخصی اش را جهت فروش در یک نمایشگاه اتومبیل در شهرستان بهارستان به امانت گذاشته است

■ **گروه حوادث: دو دزد مسلح با ویکردی در فضای مجازی بوژه «سایت دیوار» به شکارهای میلیونی دست می زنند.**

این تبه کاران تهرانی با فریب طعمه هایشان آنان را به سرقرار می کشاندند تا دسیسه مسلحانه شان را اجرایی کنند.

■ **فروش موبایل در دیوار**
روز ششم آبان ماه سال جاری یک مرد تهرانی هراسان و وحشت زده خود را به کلانتری ۱۴۰ باغ فیض رساند و پرده از سرقت عجیبی برداشت. این مرد نزد پلیس ادعا کرد از سوی دو سرنشین جوان یک خودرو و تیباسفید رنگ هدف سرقت مسلحانه قرار گرفته است.

■ **دستور ویژه**
با توجه به حساسیت این سرقت و شگرد خطرناک دزدان مسلح ماجرأ آن به باز پرس شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران گزارش شد و با دستور سریع قرار شد تا تیمی از اداره یکم پلس آگاهی تهران وارد عمل شوند و قبل از اینکه سرقت های مشابه دیگری رخ دهد دزدان را به دام اندازند.

■ **قرار شوم**
کارآگاهان برای به دست آوردن سرنخ از دزدان مسلح به تحقیق از پسر جوان پرداختند وی گفت: «بخاطر نیازم به پول گوشی تلفن همراه مدل بالای خود را به ارزش ۲۰ میلیون تومان برای فروش در سایت دیوار آگهی داده بودم که مردی ناشناس در تماس تلفنی با معرفی خود به عنوان خریدار گوشی تلفن همراه ۳۰۰ هزار تومان به عنوان پیش پرداخت معامله